

حکمت تشریح عدّه، اقسام و احکام مترتب بر آن*

□ محسن جهانگیری^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل طلاق، عدّه است که بیشتر جنبه تکلیفی دارد. ممکن است عدّه، امری تعبدی باشد، یعنی زن بعد از انحلال ازدواج باید مدتی صبر کند تا معجاز به ازدواج مجدد باشد. با توجه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام و بر اساس شکل پیوند و گسست در امر ازدواج، می‌توان اقسام هشت‌گانه‌ای را برای عدّه تصور نمود که هر یک نیز ممکن است افراد متفاوتی داشته باشند. در برخی از موارد که امکان آن مربوط به زمان بعد از نزول قرآن و ورود سنت است، در آیات قرآن و سنت صراحتی دیده نمی‌شود.

اصل عدّه، ادله محکم و خدشه‌ناپذیر فقهی دارد و دارای اقسام متفاوت و احکام ویژه‌ای است، ولی در صورت دستیابی به فلسفه عدّه، شاید بتوان از این طریق به برخی پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ گفت. هرچند درک فلسفه تشریح احکام، فضیلتی است که به افزایش بصیرت انسان نسبت به احکام دین

می‌انجامد و در اصل وجوب عمل به احکام نقشی ندارد. توجه به ویژگی مشترک زنانی که عده ندارند یعنی استبراء و پاک بودن رحم از فرزند و توجه به اینکه مرد در مدت عده می‌تواند به زن رجوع کند و زندگی زناشویی را از سر بگیرد، به خوبی می‌رساند که هدف مهم آن جلوگیری از جدایی کامل بین زن و شوهر و متلاشی شدن کانون خانواده است. نوشته پیش رو با مراجعه به آیات و روایات و بررسی اقوال فقیهان می‌کوشد تا با کشف ملاک و حکمت تشریح، به پرسش‌های مرتبط پاسخ گوید.

واژگان کلیدی: طلاق، عده، تربص، ازدواج، دستگاه‌های طبی، رحم، فلسفه عده، حکمت تشریح.

مقدمه

بیشتر مسائلی که در فقه در مورد طلاق مطرح است و در آن‌ها تمایزهای فقهی مرد و زن بیان شده، مرتبط با حقوق آن‌هاست. یکی از پیچیده‌ترین این مسائل، بحث عده است که بیشتر جنبه تکلیفی دارد؛ یعنی مدت زمان ممنوعیت ازدواج برای زنی که عقد نکاح او منحل شده است.

یکی از راه‌های پایان بخشیدن به عقد، طلاق است. هرچند بیشتر اقسام عده به طلاق باز می‌گردد، بحث عده به طلاق اختصاص ندارد، اما چون محل ویژه‌ای به طور مستقل در کتب فقهی برای آن لحاظ نشده، معمولاً این بحث در ذیل مسائل طلاق مطرح می‌شود (ر.ک: علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۱۴۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵۶/۵؛ همو، ۱۳۸۷: ۲۳۴/۵). با توجه به پیچیدگی و اهمیت عده، فقیهان و حقوق‌دانان تعابیر مختلفی از آن ارائه کرده‌اند؛ برای نمونه، طبرسی (۱۴۰۶: ۴۵۷/۱۰) مراد از عده را ممنوعیت زن از ازدواج دوم پس از ازدواج اول می‌داند.

چرایی عده

با توجه به اینکه کلمه «تربص» در قرآن آمده است (بقره/۲۲۶)، ممکن است که عده یک امر تعبدی باشد؛ یعنی اینکه زن باید مدتی را بعد از انحلال ازدواج صبر کند تا مجاز به ازدواج مجدد باشد و این امر به انحلال ازدواج سابق ارتباطی ندارد، بلکه حکم تعبدی است یعنی تعبداً باید منتظر پایان یافتن آن مدت باشد تا بعد بتواند ازدواج کند.

با توجه به برخی روایات و تفاسیر وارد شده در ذیل آیه شریفه (طبرسی، ۱۴۰۶: ۴۵۷/۱۰)، می‌توان عدّه را برطرف کننده آثار ازدواج سابق به شمار آورد؛ برای نمونه، در صحیحۀ محمد بن مسلم، امام باقر یا امام صادق علیهما السلام می‌فرماید: «عدّه از نطفه و آب [مرد] است» (حزّ عاملی، بی‌تا: ۴۰۳/۱۵، ح ۱) یا در صحیحۀ حلبی وارد شده است که اگر مردی قبل از دخول، زنش را طلاق دهد آن زن عدّه ندارد و همان لحظه می‌تواند ازدواج کند (همان: ح ۴) یا روایاتی که در مورد یائسه وارد شده‌اند که عدّه ندارد (همان: ح ۵-۱).

بر اساس این روایات می‌توان ادعا کرد که اگر ازدواج سابق آثاری همچون انعقاد نطفه و حمل نداشته باشد، عدّه هم ندارد. البته چنانچه احتمال داده شود که ازدواج سابق آثاری داشته، باید تا زمان منتفی شدن آن‌ها عدّه نگهدارد.

بر این اساس، زمانی زن مجاز به ازدواج مجدد است که نخست، آثار ازدواج پیشین منتفی شود؛ یعنی بعد از طلاق مدتی صبر کند تا اگر به لحاظ شرایط خلقتی زن و استعداد نگهداری نطفه مرد در بدن او، اثری از زندگی قبلی باقی مانده است، مشخص شود یا اطمینان حاصل شود که هیچ آثاری از ازدواج پیشین وجود ندارد. در چنین صورتی می‌تواند با فرد دیگری ازدواج کند.

اقسام هشت گانه عدّه

با توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام و بر اساس شکل پیوند و گسست در ازدواج، اقسام هشت گانه‌ای برای عدّه تصور می‌شود که هر یک نیز ممکن است افراد متفاوتی داشته باشند (نجفی، ۱۳۶۵: ۲۱۹/۳۲؛ بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۷: مسئله ۲۵۱۳؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۱۶۶/۲؛ عاملی جبعی، بی‌تا: ۵۷/۶):

- ۱- عدّه طلاق: مدت زمانی که زن پس از طلاق باید از ازدواج دوباره خودداری کند و دارای اقسام زیر است:
 - الف) عدّه زن بالغه یائسه؛
 - ب) عدّه زن بالغه غیر یائسه حامله؛
 - ج) عدّه زن بالغه غیر یائسه که امکان حامله شدن دارد؛
 - د) عدّه زن بالغه غیر یائسه که امکان حامله شدن را ندارد (مثلاً به دلیل برداشتن رحم)؛

ه) عده زن غیر بالغه که با وی نزدیکی نشده است؛
 و) عده زن غیر بالغه که با وی نزدیکی شده است.
 ۲- عده وفات: مدت زمانی که زن پس از فوت شوهر باید از ازدواج دوباره خودداری کند که دارای اقسام زیر است:

الف) عده وفات شوهر برای زنی که در عقد دائم بوده است؛
 ب) عده وفات شوهر برای زنی که در عقد موقت بوده و پیش از پایان مدت، شوهرش مرده است؛

۳- عده ایلاء، که از رسوم جاهلی عربها بوده و اکنون منسوخ شده است و یاظهار که از نظر عده، شبیه ایلاست و آن نیز از بین رفته است.
 قرآن فقط به این سه قسم عده که اشاره شد، پرداخته^۱ و احکامی را که رعایت آنها بر مرد و زن لازم است، بیان فرموده است؛ مانند:
 الف) چگونگی روابط اخلاقی و اجتماعی زن و شوهر در مدت عده. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَمَنْ مِّثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره / ۲۲۸)؛ و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است.

ب) حرمت خواستگاری کردن از آنها؛

ج) مدت زمان عده؛

د) پرداخت نفقه زن در مدت عده.

البته مسائل فقهی و حقوقی دیگری هم وجود دارد که در این آیات مطرح نشده‌اند.

۴- عده در ازدواج موقت که می‌تواند به شکل‌های زیر وجود داشته باشد:

الف) مرد پیش از تمام شدن مدت از حق خود بگذرد؛

ب) عقد موقت فسخ شود؛

ج) مدت عقد موقت به پایان برسد؛

۱. عده ایلاء: ﴿الَّذِينَ يُولُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرِيضَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ قَالُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره / ۲۲۶)؛
 عده طلاق: ﴿وَالْمُطَلَّاتُ بِرَبِّنَّ أَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ...﴾ (بقره / ۲۲۸)؛
 عده وفات: ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا...﴾ (بقره / ۲۳۴).

(د) زن حامله باشد و مدت تمام شود.

۵- عدّه وطی به شبهه (آمیزش جنسی اشتباهی)

۶- عدّه فسخ عقد نکاح در یکی از صورت‌های ذیل:

(الف) بروز یکی از عیوب موجب فسخ نکاح؛

(ب) عدم وفا به شرایط؛

(ج) مشخص شدن برخی موانع، مانند خواهر رضاعی یا مادر رضاعی یا دختر رضاعی

بودن.

۷- عدّه زنی که شوهرش گم شده یا در جنگ مفقودالایر شده است.

واضح است که در غیر از مواردی مانند یائسه بودن یا غیر مدخوله بودن یا نابالغ بودن زن

- که اگر طلاق داده شود عدّه ندارد، در بقیه موارد، مدت عدّه مطابق آنچه در قرآن و

سنت آمده، متفاوت خواهد بود که در پنج گروه زیر طبقه‌بندی می‌شود.

احکام و زمان عدّه

بنا بر اقسام متفاوت ازدواج و طلاق و یا بر حسب اینکه شوهر فوت کرده باشد، احکام

و زمان عدّه متفاوت است. در ادامه به پنج مورد اشاره می‌شود:

(الف) ۴۵ روز: عدّه ازدواج موقت بعد از پایان مدت؛

(ب) ۳ ماه: عدّه زنانی که طلاق داده شوند و بالغ باشند و آمیزش جنسی با

شوهرشان داشته باشند یا زنانی که وطی به شبهه شده باشند یا نکاح با آنها فسخ شود؛

(ج) ۴ ماه و ۱۰ روز: عدّه زنانی که شوهرشان فوت کرده است؛ چه عقدشان موقت

باشد و چه دائم؛

(د) حداکثر ۹ ماه - تا وضع حمل - : عدّه زنی که حامله باشد باید تا زمان وضع حمل

عدّه نگهدارد؛

(ه) ۴ سال و ۴ ماه و ۱۰ روز: برای زنی که شوهرش گم یا مفقودالایر شده است.

برخی از این موارد محل اتفاق و اجماع فقهای متقدم و متأخر امامیه است؛ مانند ۳

ماه در مورد دوم (علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۱۴۹-۱۴۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵۷-۵۶/۵؛ همو، ۱۳۸۷: ۲۳۴/۵؛

نجفی، ۱۳۶۵: ۲۱۹/۳۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۵: ۱۶۶/۲-۱۶۹) یا ۴ ماه و ۱۰ روز برای عدّه

وفات (علم‌الهدی، ۱۴۰۵: ۱۴۹؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۱/۵؛ عاملی جبعی، بی‌تا: ۵۷/۶؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۲۷۴/۳۲) یا عدّه تا پایان وضع حمل و برخی موارد مانند عدّه ازدواج موقت (مفید، ۱۴۱۰: ۳۴۱؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۱۹۶/۳۰؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۲/مسئله ۱۶؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۲۷۴/۲) یا مورد پنجم که فتوا و کلام مشهور است.

در هر مورد از موارد پنج گانه‌ای که ذکر شد روایات معتبر و غیر معتبری بر این حکم دلالت دارند که در فلسفه تشریح عدّه بررسی می‌شوند. البته در هر مورد اختلافات جزئی بین فقها وجود دارد که به اصل مسئله و حکم ضرری نمی‌زند.

نکاتی در حکمت تشریح عدّه

در این قسمت نکاتی بیان می‌شود که می‌تواند مقدمه‌ای برای بیان حکمت تشریح عدّه باشد:

۱. برخی از مواردی که کاملاً نوپدید هستند مانند عدّه طلاق زنی که با دارو یا دستگاه‌های پزشکی مانع حاملگی خود شده است یا اساساً رحم او را از بدنش برداشته‌اند. از آنجا که طرح این مسئله و امکان آن، مربوط به زمان بعد از قرآن و سنت است، این امر در آیات قرآنی و سنت به صراحت به چشم نمی‌خورد، هرچند که شاید بتوان در ضمن آیات و روایات به مشابهاتی دست یافت.

۲. در آیه ﴿وَاللَّائِي يَسْنَنَ مِنَ الْحَيْضِ﴾ ممکن است که مراد یائسه واقعی نباشد بلکه منظور کسانی هستند که حیض آن‌ها قطع شده و نمی‌دانیم قطع حیض واقعاً به دلیل رسیدن به سن یائسگی است یا به خاطر بیماری و امثال آن و همین طور در ادامه آن، که می‌فرماید: ﴿وَاللَّائِي لَمْ يَحْضْنَ﴾؛ زنانی که حیض نشده‌اند، یعنی زنانی که به سن حیض شدن نرسیده‌اند یا در سن حیض هستند ولی حیض نمی‌بینند.

شیخ طوسی در *المبسوط* می‌گوید:

اگر زن از کسانی است که حیض نمی‌بینند ولی همسالان و همانندهایش حیض می‌بینند، باید پس از طلاق سه ماه عدّه نگهدارد (۱۳۸۷: ۲۳۵/۵-۲۳۷).

بدیهی است که امروزه موضوع زن بالغی که در سن حیض است ولی حیض نمی‌بیند با آنچه در روزگاران پیشین بود کاملاً تفاوت پیدا کرده است؛ چرا که اکنون

قطع حیض تنها به سبب بیماری ناخواسته نیست بلکه موضوع انقطاع اختیاری حاملگی است که برخی فرصت طلبان با عنوان فریبنده «کنترل جمعیت» برای دست یافتن به اهداف ناصواب خود اندیشیده‌اند. لذا در چنین مواردی هم آیا می‌توان حکم یائسه را جاری ساخت؟

۳. چنانچه با روش‌های علمی مشخص شود که زن حامله نیست و رحمش خالی است، آیا باز هم باید عدّه نگهدارد یا می‌تواند بلافاصله با مرد دیگری ازدواج نماید؟ توضیح آنکه با توجه به آنچه از برخی روایات نقل شد فلسفه تشریح عدّه ممکن است علم به از بین رفتن و برطرف شدن آثار ازدواج قبلی مثل انقطاع نطفه و حاملگی باشد، لذا در فرض بالا ممکن است عدّه منتفی باشد. در این مسئله چه فرقی بین ازدواج دائم و ازدواج موقت است؟

زنی که پس از طلاق، هرگز عادت ماهانه نمی‌شود (چه به طور اختیاری و چه به دلیل سنّ زیاد و یائسگی طبیعی)، آیا عموم آیه «وَالْمُطَلَّاتُ» شامل او هم می‌شود یا عموم آیه مربوط به زنانی است که حیض می‌شوند؟

۴. در مورد عقد موقت و مدت زمان عدّه آن، آیه‌ای که با صراحت به آن پرداخته باشد در قرآن وجود ندارد مگر آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (نساء/ ۲۴)؛ زنانی را که متعه [ازدواج موقت] کردید باید مهریه آن‌ها را بدهید.

پرسش این است که در عدّه طلاق زن بالغی با شوهرش آمیزش داشته است، چرا باید بین عقد موقت و دائم از نظر عدّه تفاوت باشد؟ به بیان دیگر، اگر صرفاً برای عدم اختلاط نسل، لازم است عدّه نگهدارد در این صورت اگر با ۴۵ روز آثار ازدواج سابق برطرف می‌شود، چرا باید در عقد دائم سه ماه صبر کند؟ و اگر با ۴۵ روز آن آثار برطرف نمی‌شود چگونه است که در عقد موقت، زن می‌تواند بعد از ۴۵ روز با مرد دیگری ازدواج کند و حال آنکه هنوز یقین به برطرف شدن آثار ازدواج قبلی حاصل نشده است؟

۵. پیش از اسلام، عدّه وفات یک سال کامل بود و بنا بر روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده (حرّ عاملی، بی‌تا: ۴۵۳/۱۵)، وقتی مردی از دنیا می‌رفت همسر او پارچه‌ای را بر پشت خود می‌انداخت و می‌گفت: سرمه نمی‌کشم، آرایش نمی‌کنم و

تا یک سال ازدواج نمی‌کنم. تا این یک سال او را از خانه شوهر بیرون نمی‌کردند و خرجی او را از مال شوهرش می‌دادند.

در اسلام هم ابتدا همین حکم در آیه **﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِمْ مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ﴾** (بقره/ ۲۴۰) بیان شد، اما بعداً همان ۴ ماه و ۱۰ روز ثابت شد. لذا این مدت به نوعی تعدیل شده مدتی است که قبل از اسلام هم مرسوم بوده است.

از این آیه، استفاده کلی شده است که در صورت وفات شوهر، زن باید ۴ ماه و ۱۰ روز عده نگهدارد؛ بدون فرق بین عقد دائم و موقت، یائسه و غیر یائسه، مدخوله و غیر مدخوله. همه فقها از شیخ مفید تا فقهای معاصر طرفدار همین نظریه‌اند (مفید، ۱۴۱۰: ۳۴۱؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۱۴۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵۷/۵؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۲۱۹/۳۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۱۶۹/۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۶: مسئله ۱۶).

روایات اهل بیت **علیهم‌السلام** نیز که در حکمت تشریح عده بیان می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۷/۸، ح ۱۴۴)، این حکم را تأیید می‌کند.

پرسش آن است که چه فرقی بین وفات و طلاق وجود دارد که موجب تفاوت مدت عده وفات شوهر - ۴ ماه و ۱۰ روز - و عده طلاق - ۳ ماه - شده است؟ اگر با سه ماه عده نگهداشتن، فلسفه تشریح عده - جلوگیری از اختلاط نسل - محقق می‌شود، چرا در مورد وفات باید ۴ ماه و ۱۰ روز عده نگهداشته شود؟ و اگر فلسفه تشریح عده احترام به نکاح و ازدواج پیشین است چرا فقط بر زنان رعایت این احترام لازم است نه بر مردان؟ و اگر این احترام به ازدواج قبلی را بپذیریم، چرا در مورد عقد موقت هم باید این احترام رعایت شود؟

اگر تفاوت طلاق و وفات در لزوم سوگواری زن بعد از فوت شوهر، به خاطر احترام به او باشد طبق نظر صاحب **جوهر**، زن باید مدتی را به عنوان سوگواری برای او، عده نگهدارد (نجفی، ۱۳۶۵: ۲۷۴/۳۲) و پاکی از حیض در آن لحاظ نشده است. در این صورت، این سؤال پیش می‌آید که آیا این سوگواری فقط برای زن واجب است ولی مرد اگر بعد از فوت زنش بلافاصله ازدواج کرد اشکالی ندارد؟

۶. در مورد زنی که شوهرش مفقودالاثرا شده به نظر می‌رسد احترام ازدواج و عقد

نکاح حفظ شده ولی نسبت به خواسته‌های طبیعی زن و نیازهای جنسی او چطور؟ آیا باید عرض و ناموس مرد در غیاب او حفظ شود ولی خواسته و غرایز طبیعی زن نادیده گرفته شود؟

در روایتی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌شود که در این شرایط آیا زن می‌تواند درخواست طلاق کند؟ حضرت می‌فرماید: «مجبور به طلاق نمی‌شود». ولی در مقابل این سؤال که اگر این زن هم آنچه را که سایر زنان شوهردار دارند، می‌خواهد و نمی‌خواهد که منتظر بماند، امام می‌فرماید: «چنین حقی ندارد و بیشتر از نفقه نباید انتظاری داشته باشد» (حز عاملی، بی‌تا: ۳۹۰/۱۵).

درست است که بر اساس اصل بقای زوجیت زن باید صبر کند تا یقین به مردن شوهرش پیدا شود یا طبق روایات پس از مراجعه به حاکم شرع و تعیین و انقضای مدت ۴ سال فحوص و جستجو، ۴ ماه و ۱۰ روز هم عدّه نگهدارد و سپس می‌تواند با فرد دیگری ازدواج کند، ولی آیا این عمل برای زن ضرر و حرجی ندارد؟ برآورده ساختن نیازهای عاطفی، اجتماعی و جنسی که خواسته‌های مشروع اوست، چگونه انجام می‌شود؟

علاوه بر این، در عصر کنونی که عصر ارتباطات است در مدت زمانی کوتاه و به مدد تجهیزات ارتباطی پیشرفته، افرادی که سال‌ها از هم جدا بوده‌اند یکدیگر را پیدا می‌کنند، محدود کردن آزادی یک انسان برای چهار سال به بهانه پیدا شدن همسر، چه توجیه عقلانی دارد؟

آیا طبق نظر شیخ انصاری (۱۳۷۳: ۲۵۰)، زن می‌تواند صبر نکند و با مراجعه به حاکم شرع، طلاق خود را بگیرد؟ یا اینکه بگوییم اگر تحمل این چهار سال برای او ناممکن است آیا حاکم شرع می‌تواند با ولایت شرعی خود زن را طلاق بدهد؟ در این صورت، آیا عدّه طلاق هم نگهدارد یا نیازی به نگهداشتن عدّه نیست؟ به شرط آنکه بیش از مدت عدّه از گم شدن شوهرش گذشته باشد (صانعی، بی‌تا: مسئله ۶۸۱) یا اینکه برای برطرف شدن چنین مشکلی، در هنگام عقد ازدواج شرط کند که اگر شوهر به مسافرت برود یا شش ماه خرجی او را ندهد، او از طرف شوهر برای طلاق وکیل باشد و بتواند در این مورد خود را طلاق دهد (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: مسئله ۲۵۳۹؛ نیز ر.ک: رساله‌های آیات

عظام موسوی خوبی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و صناعی).

اینک با مشخص شدن اینکه اصل عدّه، ادلّه محکم فقهی مانند قرآن و سنت و اجماع دارد و دارای اقسام متفاوتی هم هست و احکام ویژه‌ای نیز در زمان عدّه باید رعایت شود، چنانچه دستیابی به فلسفه عدّه ممکن باشد، شاید بتوان از این طریق راهی را برای روشنگری در نکات گفته شده جستجو کرد.

همان طور که پذیرفتن برخی از استدلال‌های عقلی و علمی که در ضمن نکات به آن‌ها اشاره شد، متوقف بر فهم فلسفه تشریح عدّه است.

باید دانست درک فلسفه تشریح احکام فضیلتی است که به افزایش بصیرت انسان نسبت به احکام دین می‌انجامد و گرنه در اصل وجوب عمل به احکام نقشی ندارد؛ بدین معنا که اگر از طریق ادلّه معتبر حکمی اثبات شود لازم‌الاجرا خواهد بود گرچه فلسفه تشریح آن برای انسان مشخص نباشد.

البته در اسلام، احکام واقعی دایرمدار مصالح و مفساد واقعی است و هر حکمی که تشریح شده است نمی‌تواند بدون فلسفه و مفساد و مصالحی باشد. از طرفی اگر علت حکمی را به طور یقینی و قطعی دریافتیم می‌توان آن حکم را به موارد دیگری هم که علت یکسانی دارند توسعه داد یا دامنه حکم را از مواردی که علت مذکور را نمی‌یابیم محدود ساخت.

لذا ویژگی دیگری که برای فهم فلسفه تشریح احکام می‌توان تصور کرد آن است که اگر علت قطعی حکم را کشف کنیم می‌توانیم نسبت به گستره آن حکم دقیق‌تر عمل کنیم.

پرسش‌ها و پاسخ‌هایی در فلسفه تشریح عدّه

۱. آیا عدّه از احکام تعبّدی است که هیچ‌چون و چرایی را نمی‌پذیرد یا می‌توان به استدلال‌های علمی و عقلی در مورد آن توجه کرد؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که قرآن برای عدّه زن مطلقه یا شوهرمرده علّتی را ذکر نکرده است، اما از آنجا که روایات می‌توانند بیان، تخصیص و تقیید برای آیات باشند با مراجعه به آیات خواهیم دید که بسیاری از روایات نظیر صحیحۀ زراره و

صحيحه محمد بن مسلم، همراه با حکم عدّه، علت را هم ذکر می کنند.

در روایت زرارہ حضرت می فرماید:

زن باید سه پاکی از حیض عدّه نگهدارد؛ زیرا با این مدت رحم زن به کلی پاک می گردد و پس از آن، ازدواج با او بر دیگران حلال می شود (حز عاملی، بی تا: ۴۶۸/۱۵، ابواب العدد، ۳۷، ح ۱).

یا در روایت محمد بن مسلم، امام عليه السلام می فرماید:

بر زنی که همانند هایش حامله نمی شوند عدّه واجب نیست (همان: ۴۰۲، ب ۳، ابواب العدد، ح ۲).

شهید ثانی در *مسالك* می گوید که علت تشریح عدّه، آگاهی بر تهی بودن یا نبودن رحم از فرزند است، حال اگر یقین به تهی بودن داشت، عدّه ندارد (مؤمن قمی، ۱۳۷۴: ش ۱۱۲/۲).

یا در روایت محمد بن سلیمان، امام باقر عليه السلام به صراحت می فرماید:

اینکه عدّه زن مطلقه سه مرتبه پاک شدن از حیض است، برای استبرای رحم او از فرزند است (حز عاملی، بی تا: ۴۵۲/۱۵، ب ۳۰، من ابواب العدد، ح ۲).

برخی نویسندگان معاصر، یکی از حکمت های عدّه را عدم اختلاط نطفه ها در رحم و اختلاف نسب ها ذکر کرده اند (توفیق الصباغ، ۱۴۱۴: ۱۰۲). حقوق دانان نیز معتقدند که فلسفه عدّه برای زنی که زوجیت او منحل شده است، جلوگیری از اختلاط نسب است (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۵۰۶).

البته یقین به اینکه موارد یاد شده علت باشد نه حکمت، نیازمند بررسی بیشتر است.

۲. آیا می توان گفت که عدّه از احکام تعبّدي الهی نیست که صرفاً تعبّد به آن لازم باشد و نیازمند به بیان دلیل نباشد؟ چنین ادعایی نه تنها ممکن است بلکه می توان گفت از آنجا که عدّه، یک حکم اجتماعی و حقوقی است، حتماً باید مستند به دلیل ویژه ای باشد. همان طور که روایات هم به آن اشاره کرده اند و لذا نمی تواند صرفاً تعبّدي باشد.

۳. آیا همه زنانی که از عدّه معاف اند ویژگی مشترکی دارند؟ در پاسخ می توان گفت که اینان به چند دسته تقسیم می شوند:

الف) زنان یائسه که از نظر سنی در وضعیتی هستند که عادت ماهانه نمی‌شوند. اینان بنا بر حکم قرآن، روایات و عقل، عدّه ندارند؛ چون سبب عدّه وجود ندارد، لذا اصل عدّه منتفی است.

ب) دختر نابالغ که مشهور فقها به واجب نبودن عدّه بر او معتقدند (حرّ عاملی، بی‌تا: ۴۰۶/۱۵، ج ۲).

ج) زنی که با شوهرش ارتباط جنسی نداشته است (غیر مدخول بها) عدّه ندارد که این معافیت علاوه بر تأیید روایات، مورد پذیرش همه علمای پیشین و معاصر می‌باشد. د) زنانی که حامله نمی‌شوند. البته زنانی که به طور طبیعی عقیم هستند و حامله نمی‌شوند قدر متیقن حکم معافیت از عدّه می‌باشند، ولی کسانی که با استفاده از فناوری روز و روش‌های پیشگیری، از حامله شدن خود ممانعت می‌کنند یا با خارج ساختن رحم یا بستن لوله‌ها و واژکتومی، عقیم‌سازی می‌کنند، مشکوک و مورد تردیدند. با توجه به آثار و قرائن و ادله وجوب عدّه، ظاهراً حکم به عدم لزوم عدّه برای این دسته هم بعید نیست، البته در فرضی که حامله نشدن آن‌ها قطعی و تعیینی باشد؛ نظیر زنانی که رحم خود را برداشته‌اند که این‌ها حتی خون حیض هم نمی‌بینند.

البته اگر با روش‌های جدید رحم را از کار انداخته‌اند ولی هنوز احتمال خطا و حامله شدن وجود دارد، با این احتمال که ابزار علمی جدید دارای درصد خطاست، دیگر نمی‌توان آن‌ها را ملحق به زنانی دانست که حامله نمی‌شوند. بنابراین ویژگی مشترک همه این اصناف یادشده را می‌توان استبرا و پاک بودن رحم از فرزند دانست.

۴. آیا تنها علت معقول که منصوص در روایات هم هست همان استبرا و پاک بودن رحم از فرزند و عدم اختلاط نسبت‌هاست؟ اگر علت وجوب و تشریح عدّه همان استبرای رحم باشد همان طور که از ویژگی مشترکی که در بالا یاد شد می‌توان فهمید، پس هر جا یقین به حامله نبودن باشد، عدّه هم واجب نیست مانند مواردی که از قبیل یائسه، صغیره و غیر مدخول بها که ذکر شد یا کسی که رحم خود را خارج ساخته یا به طور قطعی و یقینی از کار انداخته است.

همین طور اگر قبل از طلاق، چند ماهی حالت قهر و جدایی بین زن و شوهر بوده و هیچ گونه ارتباطی با هم نداشته‌اند، بعد هم طلاق واقع شده که در این مدت اگر

حمل در کار بود مشخص می‌شد. لذا بر چنین زنی هم نباید عده واجب باشد؛ چرا که علت وجوب حکم در مورد او صادق نیست. همچنین زن بالغی که با شوهر خود آمیزش جنسی هم داشته است و عادت ماهانه هم می‌بیند ولی با آزمایش‌ها و ابزارهای جدید به یقین رسیده‌اند که حامله نیست، برای او هم تشریح عده و وجوب عده صادق نیست؛ چرا که علت آن منتفی است.

البته با تردیدی که امروزه نسبت به صحت و خطای آزمایش‌های پزشکی وجود دارد و با توجه به موارد خلافی که دیده شده است حکم قطعی در این موارد، بعید و بلکه غیر ممکن است، ولی اگر فرض شود که روزی بتوان به این نتیجه قطعی و تعیینی رسید این حکم هم صادق خواهد بود.

نکته قابل توجه اینکه عده زنی که شوهرش مرده است به صورت مطلق همان ۴ ماه و ۱۰ روز با عنوان عده وفات مطرح شده است و ظاهراً زنانی که از عده طلاق معاف بودند، برای وفات شوهر باید عده نگهدارند. اینجا هم اگر علت حکم همان استبرای رحم باشد، می‌توان در مواردی که یقین به حامله بودن است قائل به عدم عده شد. به نظر می‌رسد علت این حکم چیز دیگری است؛ چرا که از سویی روایاتی که علت عده را ذکر کرده‌اند این علت را فقط در عده زن مطلقه بیان کرده‌اند و از سوی دیگر، در عده وفات بین مواردی چون عقد موقت و عقد دائم، یائسه بودن و یائسه نبودن، مدخول بها بودن یا نبودن تفاوتی نیست.

آنچه گذشت شاهد بر آن است که علت این حکم چیز دیگری است و چون در لسان شارع نیامده است، باید قائل به تعبدی بودن آن شد و این حکم تعبدی درباره مردان صادق نیست؛ چرا که با اصل جایز بودن ازدواج مرد با چهار زن در عقد دائم، سازگاری ندارد.

۵. علت اینکه طبق آیات قرآن مرد حق ندارد در ایام عده زن را از خانه‌اش بیرون کند و زن هم حق ندارد خارج شود و در جایی دیگر زندگی کند و بر مرد هم نفقه زن لازم است چیست؟ دقت در این حکم با ملاحظه اینکه مرد در ایام عده می‌تواند به زن رجوع کند و زندگی زناشویی را از سر بگیرد، به خوبی می‌رساند هدف مهمی که در اینجا تعقیب شده است جلوگیری از جدایی کامل زن و شوهر و متلاشی شدن کانون

خانواده است تا با ایجاد فرصتی دیگر، راه را برای ادامه زندگی و جلوگیری از پیامدهای وخیم متلاشی شدن آن در جامعه هموار سازد.

چه بسیارند اختلافاتی که به مرور زمان به سردی گراییده و هر دو طرف پشیمان از طلاق و جدایی و در آرزوی برقراری مجدد ارتباط خانوادگی و آرامش زندگی زناشویی خود هستند. اگر این فرصت در ضمن عده ایجاد نشود و زندگی یکی از زوجین مرتبط با شخص ثالثی بشود، راه بازگشت به زندگی اول بسیار دشوار بلکه به حسب عرف ناممکن خواهد بود.

بنابراین تنها حکمت یا فلسفه وجوب عده، استبرای رحم از حاملگی نیست، هرچند این امر شاید مهم‌ترین وجه در این تشریح باشد که نصوص و روایات به آن اشاره کرده‌اند.

حفظ بنایی که به تعبیر روایات محبوب‌ترین بناهاست یعنی پیمان زناشویی و کم‌رنگ ساختن آن چیزی که مبعوض‌ترین چیزها در نزد خداوند است یعنی طلاق، تا حدود زیادی در این راه علاج عملی نهفته است.

افزون بر این، فقدان چنین حکمی ممکن است زن را قربانی هوس‌بازی و کامجویی‌های تاجرپیشگان قرار دهد و شأن و شخصیت انسانی او را تا سرحد یک کالا تنزل دهد که اسلام به شدت با چنین چیزی مخالف است.

نتیجه‌گیری

۱. با توجه به آنچه به عنوان فلسفه و علت وجوب عده بر زنان ذکر شد، موضوع عده برای مرد منتفی است؛ چرا که انتظار برای استبرای رحم و حامله نبودن فقط در مورد زنان صادق است. به همین دلیل گفته شد که در برخی موارد مانند زن یائسه یا صغیر و نابالغ، برای زنان هم نگهداشتن عده واجب نیست؛ چرا که یقین به استبرای رحم از فرزند است.

۲. در باب جواز تعدد همسر برای مردان که از آیه شریفه قرآن استفاده می‌شود، در زمانی که مرد هنوز همسر خود را طلاق نداده است و با او زندگی می‌کند، می‌تواند با زن دیگری هم در شرایط ویژه‌ای ازدواج کند، مسلماً بعد از طلاق یا فوت همسر هم

می‌تواند بی‌آنکه لازم باشد که عده نگهدارد، ازدواج کند.

۳. اگر تعدد زوجات را برای مردان با چهار همسر به طور مطلق بپذیریم، در این صورت عده نگهداشتن قبل از تکمیل چهار همسر برای یک مرد، بی‌معنا خواهد بود؛ چرا که در زمان زندگی و حیات همسرش می‌توانست با زنان دیگری تا چهار تا ازدواج کند، بی‌تردید بعد از فوت او هم می‌تواند.

آری، نسبت به مورد پنجم، مرد هم باید در ایام عده منتظر بماند، به این معنا که اگر زن چهارم را طلاق رجعی داده تا پایان عده باید منتظر بماند و سپس با زن دیگری ازدواج کند. البته این انتظار باز هم به معنای عده نگهداشتن نیست؛ چرا که حکمت عده که استبرای رحم است در مورد مردان مصداق پیدا نمی‌کند، بلکه صرفاً از جهت حرمت ازدواج با بیش از چهار زن می‌باشد.

کتاب شناسی

۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین، رساله عملیه (صراط النجاة)، قم، کنگره شیخ انصاری، ۱۳۷۳ ش.
۲. بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۳. توفیق الصباغ، عبدالله، حکمة التشريع وفلسفته، دوی، دار العلم للنشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵. حسینی سیستانی، سید علی، توضیح المسائل، چاپ هشتم، قم، چاپ ستاره، ۱۴۱۵ ق.
۶. همو، منهاج الصالحین، قم، دفتر آیه الله سیستانی، ۱۴۱۷ ق.
۷. صانعی، یوسف، مجمع المسائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۹. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. همو، المسبوط، تهران، المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۷ ق.
۱۱. عاملی جبعی، زین الدین بن علی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقیه، نجف اشرف، بی تا، بی نا، بی تا.
۱۲. علم الهدی، سید مرتضی، الانتصار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. فاضل لنکرانی، محمد، استفتائات، قم، چاپ مهر، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. مؤمن قمی، محمد، «حکم عدّه زنان بدون رحم»، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴ ش.
۱۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، المقنعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. موسوی خمینی، سید روح الله، استفتائات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۱۸. همو، تحریر الوسیله، تهران، المكتبة العلمیة الاسلامیة، بی تا.
۱۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم ۱۴۱۰ ق.
۲۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ش.